نمایش چه خبر؟ چی شده؟

مهد کودکی ها تئاتر را تصرف کردند

گزارشی از جریان اجرای نمایش‌های کودک

امید بی‌نیاز

روزهای گذشته در حالی پرده نقره‌ای دنیای پروانه‌ای کودکان را به شهر «بابا طاهر» و «شیخ رئیس بوعلی» می برد و زاویه دوربین را از دنیای بزرگسالان و شهر قوم قدیمی ماد به مدرنیته بر می گرداند که پایتخت پهناور ایران هم برای دقایقی از صدای بوق و ترافیک رهایی می یافت. قصه از این قرار بود که بهار تئاتر ایران چندان پر سر و صدا نبود، زیرا تئاتر شهر با تعمیرات سالن هایش درگیر بود و صدایی از صحنه تالار ها نمی آمد. اما درست در این زمان، در چند سالن تهران صدها نفر به دیدن تئاتر می رفتند. آنها کودکانی بودند که از تئاتر تنها لبخند و کنجکاوی را به یاد دارند. بنابراین برای دقایقی کوتاه انگار همه چیز به فراموشی سپرده شده و تالارهایی همچون مرکز تئاتر کانون پرورش فکری، هنر و چند فرهنگسرای تهران به یکباره از دهها نفر از بچه های مهد کودک پر می شد. گویی تهران بزرگ با تمام سروصدا و آلودگی صوتی اش برای لحظاتی سکوت می کرد تا صدای خندیدن آرام، نرم و زیبای یک کودک را بشنود؛ کودکی که با تخیل بزرگ شن در صندلی یک سالن تئاتر جای دارد و به دور دست های دنیای بزرگسالان لبخند می زند.

تئاترهای کودک در سالن های گوناگون تهران که اجرای آنها از روزهای گذشته آغاز شده همچنان کار خود را دنبال می کند. با این حال نحوه اجرا، زمان و تیپ سنی و اجتماعی تماشاگران همواره در بین کارگردان ها از نکات خواندنی و بحث برانگیز است. از سوی دیگر این نمایش ها مانند آینه ای از وضع تئاتر کودک در ایران معاصر خبر می دهد. وضع کنونی تئاتر کودک نیز مانند سینما یا شعر کودک از پدیده های تأمل برانگیز فرهنگی به شمار می رود. زیرا نوع مخاطب و حساسیت سنی مخاطبان در این تولید فرهنگی حیاتی است. به تعبیری ما یک ذهنیت بکر، پاک و دنیای تخیلی روبه رو هستیم که هنوز با نظام معنا و مفاهیم آشنایی کامل ندارد. بچه هایی که اگر ذهنیت آنها به درستی پرورش یابد روزی میراثدار عزت انسان در جهان هستند. در آن سوی قصه هم تولید کنندگان تئاتر کودک قرار دارند. این تولید کنندگان نیز خود به خود به دو بخش تقسیم می شوند؛ بخش اول به بحث سرمایه گذاری، تهیه فضا و سالن و هزینه پرداخت دستمزدها بر می گردد، بخش دوم به کارگردان، بازیگر، شاعر، نوازنده و... ربط دارد. از چند سال پیش به این سو نهادهای زیادی با تولیدات کار کودک درگیر هستند. یک کارگردان تئاتر کودک در این باره می گوید: من می خواهم به یک نکته کلیدی اشاره کنم. هم اکنون ما جسّاره نمایشنامه نویسی کودک، آموزش و پرورش، انجمن تئاتر کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری، شهرداری و نهادهای دیگری داریم که در زمینه تئاتر کودک فعالیت دارند. همه این موارد نکات مثبت و خوبی هستند. اما من یک سؤال را مطرح می کنم و آن این که چه کسی می خواهد سرپرستی تئاتر کودک را بر عهده بگیرد؟

داود کیانیان می افزاید: آیا باید به سراغ کانون پرورش فکری برویم که در زمینه تولید کتاب، ساخت عروسک نمایشی و ... فعالیت های زیادی دارد یا این که حوزه هنری و شهرداری به ما جوابگو هستند؟ نکته مهمی که در این میان وجود دارد، فعالیت آنهاست. همه این نهادها فعالیت می کنند و این امر مثبت است. بی شک ما نمی توانیم نکات مثبت تئاتر کودک را از خودمان بدانیم و نکات منفی را به نهادهای دیگر ربط دهیم. اما به راستی چه باید کرد؟

> شهرما شمال و جنوب و شرق و غربی دارد که سرشار از مخاطبان کودک است و تئاتر باید در دسترس آنها باشد

کیانیان یادآور شد: به نظر من باید تمام این نهادها با هم جمع شده و به صورت شورایی متولی تئاتر کودک شوند. وقتی سرپرستی تئاتر کودک برعهده یک شورا باشد، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و گره ای از مشکلات باز نخواهد شد.

۱۳۰ دانش آموز در صبحگاه بلوار کشاورز

سال های تهران در این روزها شاهد اجرای شش تئاتر کودک است که یک نمایش به کار خود پایان داد اما پنج نمایش دیگر همواره در حال اجرا هستند. این نمایش «قصه سیبی که نصف نشد» نام داشت که اجرای خود را از دهم دی ماه پارسال آغاز کرده بود و تا روزهای اخیر ادامه داشت. اما نمایش های دیگری از جمله «چه خبره؟ چی شده؟»، «لاک پشت»، «سارا و لوبیای سحرآمیز» و «ملک جمشید» همچنان به کار خود ادامه می دهند.

نمایش «چه خبره؟ چی شده؟» نخستین نمایشی است که در سال جدید در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا می شود. کارگردان برای اجرای این نمایش از دو شیوه نمایش عروسکی سایه ای و میله ای استفاده کرده و در قسمت هایی از این نمایش برای نخستین بار در ایران از عریض ترین پرده نمایش سایه ای ۹×۱ ۱/۸ متری بهره برده است.

داستان این نمایش درهمکده ای می گذرد که کدخدای آن برای مبارزه با اهریمنان، گروهی از بهترین جوانان خود را به دنبال پیرمرد عاقل و دانایی می فرستد که او را برای موفقیت در مبارزه با دشمن یاری کنند.

این نمایش هر روز ساعت ۱۰ صبح برای مدارس و مهدکودک ها و بعدازظهرها ساعت ۱۷/۳۰ برای همه مردم در مرکز تئاتر کانون اجرا می شود.

کارگردان نمایش «چه خبره؟ چی شده؟» درباره مخاطبان می گوید: خوشبختانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اجرای صبح را به مدارس اختصاص داده و خیال ما را از تماشاگر راحت است. اما یکی از مسائلی که بتوان اشاره کرد، اطلاع رسانی گسترده برای تئاتر کودک است. زیرا برای تئاتر کودک اطلاع رسانی چندانی وجود ندارد. برای نمونه اجرای ما در بعدازظهر ۱۰۰ نفر تماشاگر دارد، درحالی که صبح ها ظرفیت ۱۳۰ نفری سالن پرمی شود. بیشتر مخاطبان تئاتر ما را کودکان ۱۰ سال به بالا تشکیل می دهند. اما مسأله ای که درباره تئاتر کودک تأمل برانگیز به شمار می رود، تعریف درست از تئاتر کودک است. ما باید چارچوب های تئاتر کودک را مشخص کنیم. زیرا تولید تئاتر برای کودک به نیازهای او ربط دارد. بنابر همزمان با این که کودک به تفریح و شادی نیاز دارد، باید به فکر کردن نیز بپردازد. متأسفانه این بحث در جامعه ما کمتر بوده است. مسأله دیگر خود کارها و تولیدات است. برای نمونه برخی از دوستان جوان و خلاق به اجرای تئاتر کودک می پردازند اما کارهایشان تداوم ندارد.

طوری که یک نفر در یک سال کاری را به روی صحنه می برد و دیگر به دنبال کار بعدی نمی رود. درنتیجه با این شیوه کار کردن چیزی نصیب ما نخواهدشد.

عادل بزوده درباره ظرفیت های تئاتر کودک در ذهنیت سازی کودکان گفت: تئاتر ابزار است و شکل و شمایل آن چندان مهم نیست. اما نوع مخاطب آن باید مشخص باشد. اگر قرار است برای بچه های مهد کودک تئاتر اجرا کنیم، دیگر حضور ۱۰ ساله ها ضرورتی ندارد. زیرا هر گروه سنی می تواند تئاتر خودشان را داشته باشند. اما گاهی تئاتری را به صحنه می بریم که نه تنها برای مهدکودک ها نیست، بلکه برای بچه های ۱۲ ساله است. زیرا بچه های ۱۲ ساله به دیدن این تئاتر نمی آیند و ناچار آن را برای بچه های مهدکودک اجرا می کنیم. در کل ما در تئاتر کودک و عروسکی پازل های گمشده فراوان داریم. بنابراین ما باید ابتدا تولید تئاتر را در پایه های مختلف سنی تعریف کنیم. یعنی چه تئاتری برای مهدکودک، دبستان و راهنمایی نیاز است و بر مبنای آن کار را به روی صحنه ببریم. برای چنین کاری حضور دوستان جامعه شناس هم ضرورت دارد.

زیرا تولید تئاتر دراین حوزه بسیار مهم است. ما از یک سو بچه های شاد می خواهیم. از سوی دیگر هم به کودکانی مصمم، بااخلاق و اهل فکر نیاز داریم و با تئاتر می توان چنین کودکانی را پرورش داد. بزوده درباره فضا و سالن های اجرای تئاتر کودک می افزاید: نکته مهمی که در رابطه با تئاتر کودک مهم است، محل اجراست. برای نمونه نمایش ما در کانون اجرا می شود. این یعنی خودمان را تنها به بلوار کشاورز محدود کرده ایم. درحالی که تهران یکی از بزرگ ترین شهرهاست و ۵۰ کیلومتر طول و عرض دارد. به راستی چرا بچه های افسریه به دیدن تئاتر ما نیایند. شهرما شمال و جنوب و شرق و غربی دارد که سرشار از مخاطبان کودک است و تئاتر باید در دسترس آنها باشد. حتی خارج از تهران هم باید به فکر مخاطب تئاتر کودک بود. ما سرزمین پهناوری داریم که از سیستان و بلوچستان تا ماکو و کردستان و شیراز و اصفهان و... امتداد دارد. بنابراین دایره مخاطبان گسترده است.

ما در زمینه نمایش عروسکی، سینما و تلویزیون در حوزه کودک، کارنامه خوبی داشتیم. مصداق آن دیدن شخصی است که در کودکی «خانه مادر بزرگ» را دیده و حالا برای ادامه تحصیل در رشته های تلویزیونی به تهران آمده است. این امر از تولید یک کار تلویزیونی تفکربرانگیز خبر می دهد زیرا سنگین ترین پیام ها را می توان در آثار کودک و عروسکی به کودک ابلاغ کرد.

کارگردان نمایش «چه خبره؟ چی شده؟» درباره وضع تئاتر کودک در کشورهای خارجی یادآور می شود: هم اکنون سرمایه داران کشورهای خارجی بویژه اروپای شرقی، چین، روسیه و... روی کار کودک بیشترین سرمایه گذاری را انجام می دهند. تاریخ هم جواب این سرمایه گذاری را به آنها داده است.

آدم های تئاتر همیشه به تربیت بازیگر و کارگردان فکر می کنند، اما شاید تربیت یک تماشاگر خوب، هنر است. ما برای تولید خوب و حرفه ای از کشورهای خارجی دست کمی نداریم، به نظر من در برخی از موارد، مانند ساخت عروسک و... از آنها هم جلوتر هستیم. روزی یک دوست خارجی به من گفت که ماده بسیار جالبی برای ساخت عروسک پیدا کرده ام. بعداً فهمیدم که آن ماده اسفنج است.

از سوی دیگر ما گنجینه و سرمایه بسیار عظیمی داریم که کشورهای خارجی از آن بی بهره هستند. به عنوان مثال کلیله و دمنه نخستین کتابی است که پیام های عظیم بشری را از زبان حیوانات بیان کرده است. بنابراین ما از لحاظ بیان استعاری، خیلی از اروپایی ها و آمریکایی ها جلوتر هستیم و این امر قدرت ادبیات مکتوب ما را نشان می دهد. اما باید در پرورش ذهن در تئاتر به مسأله «بود و نبود» فکر کنیم. درست مانند پزشکی که وظیفه نجات دادن یک فرد زیر عمل را دارد. حتی وقتی به مسأله عمیق تر فکر کنیم، کار سخت تری از یک پزشک انجام می دهیم زیرا ما می خواهیم با تئاتر ذهنیت کودکان را تربیت کنیم. مسائلی هم که به آنها ابلاغ می شود، مفاهیم بزرگ انسانی با زبان تخیل و استعاره است. بنابراین ما باید با زبان کودکان شرافت های انسانی و ارزش های بشری را به شکل تئاتر دربیاوریم و دوباره برای آنها اجرا کنیم.

پدر، مادر و بچه ها مخاطب هستند

اگرچه فرهنگسراها هنوز به عنوان یک کلیشه ثابت و جایی مشهور برای اجراهای تئاتر کودک به شمار نمی رود اما در برخی از سالن های نمایشی آن همواره اجرای تئاتر وجود دارد و با تبلیغات گسترده تر می توان راه را برای حرکت در این فضاها به وجود آورد. نمایش لاک پشت از جمله کارهایی است که در فرهنگسرای هنر به روی صحنه می رود. این نمایش نگاهی طنزآمیز به نقطه عطف های زندگی از جمله تولد، نامگذاری، کودکی، مدرسه، سربازی، ازدواج و شغل دارد و به تعبیری می خواهد مخاطب کودک را به فکر و تأمل وادارد. طوری که جریان جامعه پذیری انسان را در ژانر تئاتر کودک و با زبان کودکان پرداخت کرده و با لایه هایی از سرگرمی و قصه به جذب مخاطبان خاص خود می پردازد. اما آنچه که از رویکرد این نمایش نسبت به آثار دیگر برمی آید، توجه به طیف دیگری از مخاطبان است. در واقع تئاتر کودک برای خود کودکان به روی صحنه می رود. اما نمایش لاک پشت به جریان جامعه پذیری انسان و نوعی کارکردهای آموزشی و تربیتی تئاتر پرداخته است. کارگردان نمایش «لاک پشت» درباره تماشاگران این تئاتر می گوید: البته مخاطب نمایش ما تنها کودک نیست و مخاطب کلی تری دارد. یعنی مخاطب ما کودک و خانواده است. ما خواستیم که پدر و مادرها با بچه هایشان به دیدن تئاتر بیایند و مسائلی از قبیل تربیت بچه ها، مدرسه رفتن و... را به صورت نمایشی ببینند. بی شک پدر و مادرها تمام مسائل تربیتی را برای بچه ها بیان می کنند اما این مسائل با زبان بزرگترها بیان می شود.

در حالی که بچه ها باید در محیط و فضای ذهنی خودشان قرار بگیرند و پیام های تربیتی را دریافت کنند. گاهی مدرسه راه نادرست پیام موجب می شود که بچه ها برداشت های دیگری از مسائل داشته باشند.

حسین محب اهری درباره تیپ ثابت مخاطبان تئاتر کودک می افزاید: هم اکنون تئاتر کودک برای بچه های مهدکودک جا افتاده است و گاهی تئاتر برای این طیف از مخاطبان کودک به روی صحنه می رود. در حالی که مخاطبان جدی تئاتر کودک بچه های دبستانی و راهنمایی هستند. ما اگر این دوپایه سنی را به تئاتر کودک جذب نکنیم، با کمودهایی روبه رو می شویم زیرا بچه هایی که در آستانه رفتن به دبیرستان هستند، کنجکاو بوده و امکان رفتن به سوی جریان های دیگری را دارند. به طور مثال ممکن است که دور از چشم پدر و مادرها به سوی ماهواره و چیزهای دیگر بروند و دچار بدآموزی شوند. متأسفانه ما به صورت مقطعی و حسی به تولید تئاتر و فیلم کودک می پردازیم و ارتباط نمایش نسبت به آثار دیگر برمی آید، توجه به طیف دیگری از مخاطبان است. در واقع تئاتر کودک برای خود کودکان به روی صحنه می رود. اما نمایش لاک پشت به جریان جامعه پذیری انسان و نوعی کارکردهای آموزشی و تربیتی تئاتر پرداخته است. کارگردان نمایش «لاک پشت» درباره تماشاگران این تئاتر می گوید: البته مخاطب نمایش ما تنها کودک نیست و مخاطب کلی تری دارد. یعنی مخاطب ما هم بین تولیدات و مخاطبان فاصله می افتد یا این که تالار هنر در زمینه کار کودک بیشترین فعالیت را دارد. اما برای کار ریشه ای باید کارهای اساسی انجام شود.

عکس: ترانه‌ی است

> شهر ملبورن استرالیا، ۶۳ سالن برای اجرای تئاتر کودک دارد. کارگردان ها هم بالاترین حقوق را دارند. آنها ۳ ساعت در روز کار می کنند

مجتبی مهدی با اشاره به مقایسه تئاتر کودک در ایران و جهان می گوید: خارجی ها برای تئاتر کودک سالن های اختصاصی دارند. آنها ۳۰ نفر بچه را به همراه پدر و مادرشان به تئاتر دعوت می کنند و انتظاری از گیشه و درآمد ندارند. زیرا حمایت کننده های خصوصی همه هزینه ها را تقبل می کنند. بنابراین ما عوامل کاری داریم اما مهم ترین چیز وجود سالن است. برای نمونه یک تئاتر کودک هیچ وقت در تالار وحدت به روی صحنه نمی رود اما باید برای کارگردان تئاتر کودک، این تصور به وجود بیاید که روزی کارش را در تالار وحدت به روی صحنه می برد. ما هم اکنون با کشورهای پیشرو در تئاتر کودک از جمله اروپایی ها و آمریکای لاتین فاصله داریم. اما این فاصله به لحاظ محتوایی نیست و اگر مشکل فضا را حل کنیم به سرعت خود را به سطح این کشورها می رسانیم.

این کارگردان که متن نمایش سارا و لوبیای سحرآمیز را نوشته درباره قصه در تئاتر کودک می گوید: ما باید در نمایش به پدر ومادرها آموزش بدهیم که قصه را به خودی خود به بچه ها یاد ندهند. زیرا ذهنیت خود بچه ها از ساختار تعریف شده قصه زیباتر و جذاب تر است. طوری که در قصه ها تجدیدنظر کنیم و اشکالات آن را برطرف سازیم. یعنی به بچه ها یاد دهیم که اگر جایی از قصه اشکال داشت، تنها شنونده نباشند و به فکر کردن وادار شوند. طوری که خودش قصه را تغییر دهد. بزرگ ترین تأثیری که از واگذاری قصه به ذهنیت خود کودکان وجود دارد، خلاقیت است، بیشتر وقت ها پدر ومادرها سعی می کنند به قصه نظم بدهند تا غلطی پیش نیاید. اما باید به بچه قدرت دخالت کردن در قصه، گره افکنی، گره گشایی و ... را یاد داد.

بچه ۱۷ ماهه به تئاتر می آید

این روزها یکی از نمایش های روی صحنه درتالار هنر، نمایش «سارا و لوبیای سحرآمیز» است. به گفته نویسنده این نمایش، نقد قصه «حسنی و لوبیای سحرآمیز» است و ذکر این نکته که چرا حسن به خانه غول می رود.

سارا و لوبیای سحرآمیز نمایشی زنده ـ عروسکی است که باترکیب عروسک های بونراکوی کوچک ۶۰ سانتی و عروسک های میله ای شکل گرفته است. این نمایشنامه که از نوشته های مجتبی مهدی است، قصه دختری به نام سارا را بیان می کند که پایان قصه «حسن و لوبیای سحرآمیز» را دوست ندارد.

سارا دراین نمایش دختر باهوشی است که علاقه زیادی به قصه های قدیمی دارد، اما قصه سؤالات زیادی را در ذهن او ایجاد می کند وسعی دارد درقصه تغییر ایجاد کند. یکی از ویژگی های اجرایی «سارا و لوبیای سحرآمیز» این است که واقعیت و خیال، همزمان روی صحنه اتفاق می افتند. برای مثال همان لحظه ای که مادر قصه را تعریف می کند، عروسک ها در پنجره ای که در سوی دیگر قرار دارند، قصه را بازی می کنند. افزون بر آن ازنورپردازی خاصی استفاده شده است. کارگردان نمایشی «سارا و لوبیای سحرآمیز» درباره مخاطبان این نمایش می گوید:

خوشبختانه تماشاگر تئاتر کودک کم نیست و بیشتر از مخاطبان بزرگسال است. منتهی جذب مخاطب مهم است. چون ما با مطبوعات رابطه داریم و کار روابط عمومی انجام می دهیم، مخاطبان خود را داریم. با این حال تالار هنر هیچ تماشاگر مدرسه ای ندارد و ۸۰ درصد از تماشاگران صبح از مهدکودک می آیند. در حالی که باید آموزش و پرورش توجه بیشتری به تئاتر داشته باشد. ما از مربیان تئاتر در مدارس خواسته ایم که بدون بلیت برای دیدن نمایش بیایند یا این که بچه های مدرسه را با بلیت نیم بها به تئاتر بیاورند، اما این اتفاق نیفتاده است و برخی از مربیان بچه ها را به سینما می برند. خود تالار هنر نیز حتی یک تابلو تبلیغات در سر کوچه ندارد. وقتی ما برای نصب تابلو تبلیغات به شهرداری رجوع کردیم، بحث عوارضی را مطرح کردند. ما پیشنهاد دادیم که ۱۵ درصدی که از گیشه باقی می ماند، صرف عوارض شهرداری شود اما این کار هم صورت نگرفت. در هر حال تبلیغات برای تئاتر کودک یک مشکل جدی است. خود من وقتی ۱۷ سالم بود، نخستین تئاتر کودک را دیدم. در حالی که پدر و مادرها هم اکنون بچه ۱۷ ماهه را به تئاتر می آورند.

روشنک کریمی در ادامه یادآور می شود: وقتی ما برای یک تئاتر کودک قرارداد می بندیم ۴ تا ۵ میلیون تومان برای همه عوامل از جمله کارگردان، بازیگر، نویسنده، طراح صحنه و ... دریافت می کنیم. در حالی که کارهای بزرگسال قرارداد ۲۰ میلیونی می بندند و ۸۰ درصد از درآمد گیشه را نیز برداشت می کنند. شاید برای رشد تئاتر کودک باید چنین چیزهایی تغییر پیدا کند.

کریمی در ادامه با اشاره به وضع تئاتر کودک در ایران و جهان می گوید: در جشنواره تئاتر کودک اصفهان، چند کار خارجی حضور داشت که عروسک های نمایشی آنها درحدود ۷۰۰، ۸۰۰ هزارتومان خرج برداشته بود یا یک کار عروسکی در جشنواره فجر ۱۰ عروسک نمایشی داشت و چیزی در حدود ۱۰ میلیون تومان هزینه را دربرگرفته بود. بنابراین تفاوت ما با خارجی ها در این حوزه است اما به لحاظ محتوایی، از آنها فاصله زیادی نداریم.

۶۳ سالن تئاتر برای کودکان یک شهر

اما نمایش دیگری که در تالار هنر به روی صحنه می رود، «ملک جمشید» نام دارد. این تئاتر به داستان زندگی پسری می پردازد که با کتاب ملک جمشید روبه رو می شود اما کتاب کامل نیست. بنابراین وی تلاش می کند که با تخیل خود کتاب را به پایان ببرد. کارگردان ملک جمشید در این باره می گوید: قصه درصدد ایجاد یک هارمونی با ذهن تماشاگر است. زیرا ما نیازمند آموزش قصه سازی به کودکان هستیم. طوری که بدون خلق شخصیت های عجیب و غریب یا استفاده از شخصیت های کلیشه ای، تخیل کودک را به خلق شخصیت تازه وادار کنیم.

امیر مشهدی عباس درباره مخاطبان می افزاید: ما دفتری داریم که تماشاگران در آن نظرات خود را می نویسند و ۹۵ درصد از چیه هایی که نمایش را دیده اند، از آن راضی هستند.

البته ما از اجرای تئاتر یک ناخداگاه خاصی داریم و آن این که نباید چیزی را به بچه دیکته کنیم. ما نباید به بچه بگوییم که مسواک بزن. زیرا تئاتر تأثیر گذارترین رسانه و بچه هم به ضبط صوت شبیه است و اگر نمایش را خوب ببینید بسیاری از نکات آن را درک خواهد کرد.

> زیرا تئاتر تأثیر گذارترین رسانه و بچه هم به ضبط صوت شبیه است و اگر نمایش را خوب ببینید بسیاری از نکات آن را درک خواهد کرد.

کارگردان نمایش «ملک جمشید» با اشاره به اجراهای داخل و خارج از کشور می افزاید: خارجی ها به لحاظ سامانه سالن ها، غنی هستند. برای مثال، شهر ملبورن استرالیا، ۶۳ سالن برای اجرای تئاتر کودک دارد. کارگردان ها هم بالاترین حقوق را دارند. آنها ۳ ساعت در روز کار می کنند. طبیعی است که ما چنین امکاناتی را نداریم. اما درهر حال تمام عواملی که در زمینه کار کودک دخیل هستند، زحمت می کشند.

گفتنی است نمایش سندباد بحری نوشته مریم تیموری به کارگردانی مشترک وحید شاکری و فاطمه سلمانی نیز در فرهنگسرای نیاوران به روی صحنه می رود.

در بروشور نمایش عروسکی «سندباد بحری» به عنوان خلاصه نمایش آمده است: سندباد بحری سال هاست در جزیره ای اسیر طلسم اژدها شده و منتظر کسانی است که او را نجات دهند. گروهی در طمع به دست آوردن سنگ جادویی به نام گوهران دنبال فردی به نام سلمان به سمت جزیره مقدس راهی سفری شده اند که ...